

Lesson 7: Could I speak with you

☑ متن مکالمه :

Vicky: Professor Brooks?

سلام پروفیسور بروکس؟

Professor: Hello there, um...

...سلام

Vicky: Vicky. I'm in your English Literature 101 class.

ویکی، من دانشجوی کلاس ۱۰۱ رشته ادبیات هستم

Professor: Ah, right, call me Alan.

بسیار خب، من را آلن صدا کن.

Vicky: Could I speak with you?

می توانم با شما صحبت کنم؟

Professor: Sure, come in and have a seat. What can I help you with?

حتما، بفرمایید داخل و بنشینید. چطور می توانم کمکتان کنم؟

Vicky: Well, I was sick and missed classes for two weeks, which means I missed the midterm.

خب، من مریض شدم و کلاس را دو هفته از دست دادم. یعنی امتحان میان ترم را هم از دست دادم.

Professor: Oh right, I received your email about that. I will let you take it on Thursday since you were such a good student last term, unlike Mike who slept through almost every class.

خب، من ایمیل شما را در مورد آن دریافت کردم. اجازه می دهم که روز پنجشنبه امتحان بدهی، چون ترم گذشته دانشجوی خوبی بودی، برخلاف مایک که تقریباً سر همه کلاس خواب آلود بود.

Vicky: He did not!

اون اینطوری نبود!

Professor: I'm joking, of course. However, I did catch him once or twice. If he would rest more, he wouldn't be so sleepy.

شوخی کردم! البته که نبود. به هر حال یکی دو بار مچ او را گرفتم. اگر بیشتر استراحت می کرد، آنقدر خواب آلود نمی بود.

Vicky: Yeah, he worked late every night.

بله، او هر شب تا دیر وقت کار می کرد.

Professor: Going back to the midterm, did you want to ask me any questions about it?

در مورد امتحان میان ترم صحبت کنیم. آیا در مورد آن سوالی می خواهی بپرسی؟

Vicky: No, I think I will be okay. Thank you so much, Alan. I'll see you on Thursday!

Professor: You're welcome Vicky. نه، فکر کنم خوب خواهد بود. خیلی ممنونم آلن، روز پنجشنبه می بینمتون!

خواهش می کنم ویکی.

www.TahlilGaran.org
@TahlilGaranOnline